



بقیع

برای مقالات مرتبط، [بقیع \(دائرةالمعارفبزرگاسلامی\)](#) را ببینید.

بقیع بافضیلت‌ترین قبرستان مدینه است. با [هجرت پیامبر](#) به مدینه و گسترش این شهر، تعیین قبرستانی برای دفن اموات [مسلمانان](#) ضرورت یافت. از این رو، [پیامبر](#) (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) بقیع را که در فاصله‌ای اندک از [مسجد نبوی](#) و در مسیر [بَلْبِ جَبْرِ نَبَل](#) مسجد قرار داشت برگزید. بقیع مورد توجه [اهل بیت](#) و پیامبر بوده و گزارش‌هایی از زیارت بقیع از جانب اهل بیت در منابع یاد شده است. با توجه به تاکیدهای پیامبر، زیارت قبور بقیع در طول [تاریخ اسلام](#) همواره مورد اهتمام مسلمانان بوده و حاکمان نیز به آن توجه نشان داده‌اند. بقیع آرامگاه برخی [امامان شیعه](#)، گروهی از [صحابه](#) رسول خدا، [تابعان](#)، دانشوران و [سادات](#) است که بارها توسط [هابیین](#) تخریب شده؛ اما پس از تلاش‌ها و پیگیری‌های شیعیان عراق و سفیر ایران بازسازی شد؛ نیز در دوران [ملک فهد بن عبدالعزیز](#) و سال‌های بعد آن، حکومت سعودی آن را به شکل کنونی بازسازی کرد.

فهرست مندرجات

- ۱ - [معنای لغوی](#)
- ۲ - [مکان‌های هجرام در مدینه](#)
- ۳ - [موقعیت](#)
- ۴ - [سیر شکل‌گیری و تحول](#)
- ۵ - [گسترش قبرستان](#)
- ۶ - [فضیلت و اهمیت](#)
- ۷ - [بقیع مورد توجه اهل بیت](#)
- ۸ - [زیارت بقیع مورد توجه مسلمانان](#)
- ۹ - [ادب و کیفیت زیارت](#)
- ۱۰ - [شیوه دفن در قبرستان](#)
- ۱۱ - [مدفونان](#)
 - ۱۱.۱ - [اهل بیت و بستگان رسول خدا](#)
 - ۱۱.۲ - [صحابه و تابعین](#)
 - ۱۱.۳ - [علماء و سران و شخصیت‌های اسلامی](#)
- ۱۲ - [بقعه‌های بقیع](#)
- ۱۳ - [تخریب](#)
- ۱۴ - [واکنش مسلمانان در تخریب](#)
- ۱۵ - [وضعیت کنونی](#)
- ۱۶ - [تکنگرایی‌ها](#)
- ۱۷ - [منابع](#)
- ۱۸ - [پانویس](#)
- ۱۹ - [منبع](#)

۱ - معنای لغوی

بقیع از ریشه بَقِعَ به زمینگی گفته می‌شود که با زمین‌های مجاور متفاوت باشد و نیز زمینی که درختانش یا ریشه آن‌ها به صورت پراکنده در آن وجود داشته باشد.

[۱] [فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۱، ص ۱۸۴، «بقیع».](#)

در منابع اسلامی به قبرستان مشهور مدینه، بقیع گفته می‌شود که به علت رویش درختان خاردار غرقه در آن، با نام «بقیع الغرقه» نیز خوانده شده است.

[۲] [فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۱، ص ۱۸۴.](#)

[۳] [ابن اثیر، مجدالدین، النهایه، ج ۱، ص ۱۴۶، «بقیع».](#)

افزون بر درختان غرقه، وجود چشمه‌سار و شور مگزهایی نیز در آن گزارش شده است. همچنین آورده‌اند که پشه‌های این قطعه از زمین چنان فراوان بود که هنگام غروب آفتاب، همچون دودی غلیظ به نظر می‌رسید.

[۴] ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۳۰۳.

۲ - مکان‌های همنام در مدینه

مکان‌های گوناگون در مدینه و پیرامون آن بقیع خوانده شده که از آن جمله می‌توان به **بقیع الخیل** (بازاری در مدینه)،

[۵] **نمیری بصری**، **عمر بن شبه**، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۳۰۶.

بقیع الزبیر (منطقه‌ای در مدینه)،

[۶] **حموی**، **یاقوت**، **معجم البلدان**، ج ۱، ص ۴۷۴.

بقیع الخبجیه،

[۷] **بکری اندلسی**، **عبد الله بن عبدالعزیز**، **معجم ما استعجم**، ج ۱، ص ۲۶۶.

[۸] **حموی**، **یاقوت**، **معجم البلدان**، ج ۲، ص ۳۴۳.

بقیع المصلی (محل برگزاری نمازهای عید در غرب مدینه)،

[۹] **حموی**، **یاقوت**، **معجم البلدان**، ج ۵، ص ۸۲.

بقیع نطحان (وادی‌ای در مدینه)

[۱۰] **ابن سعد**، **محمد بن سعد**، **الطبقات الکبری**، ج ۴، ص ۸۰.

[۱۱] **بکری اندلسی**، **عبد الله بن عبدالعزیز**، **معجم ما استعجم**، ج ۱، ص ۲۵۸.

و **بقیع الخضمت** (دهی نزدیک مدینه) اشاره کرد.

[۱۲] **بکری اندلسی**، **عبد الله بن عبدالعزیز**، **معجم ما استعجم**، ج ۱، ص ۲۶۶، **پانویس**.

[۱۳] **حموی**، **یاقوت**، **معجم البلدان**، ج ۵، ص ۳۰۲.

برخی بقیع الخبجیه یعنی محل رویش درختان خبجیه را به عنوان نام دیگر قبرستان بقیع برشمرده‌اند؛

[۱۴] **ابن سعد**، **محمد بن سعد**، **الطبقات الکبری**، ج ۳، ص ۳۰۳.

[۱۵] **حاکم نیشابوری**، **محمد بن عبدالله**، **المستدرک**، ج ۳، ص ۲۰۹.

اما به عقیده گروهی دیگر، این محل جایی جز بقیع و نزدیک **چاه ابی ایوب** در مدینه است.

[۱۶] **بکری اندلسی**، **عبد الله بن عبدالعزیز**، **معجم ما استعجم**، ج ۱، ص ۲۶۵.

در دوره‌های بعد که در پیرامون مدینه دیوارهایی برای پاسداری از شهر کشیده شد، بقیع همچنان بیرون از حصار شهر بود.

[۱۷] **حموی**، **یاقوت**، **معجم البلدان**، ج ۵، ص ۸۲.

[۱۸] **اصطخری**، **ابراهیم بن محمد**، **المسالك و الممالک**، ص ۱۸.

نامگذاری یکی از دروازه‌های مدینه به نام بقیع، به علت نزدیکی این در به قبرستان بقیع بود.

[۱۹] **مقدسی بشاری**، **محمد بن احمد**، **احسن التقاسیم**، ص ۸۲.

[۲۰] **مقریزی**، **تقی الدین**، **امتاع الاسماع**، ج ۱۴، ص ۶۲۷.

همچنین یکی از درهای مسجدالنبی نیز به **باب البقیع** مشهور است.

[۲۱] **مقدسی بشاری**، **محمد بن احمد**، **احسن التقاسیم**، ص ۸۲.

[۲۲] **شریف ادریسی**، **محمد بن عبدالله**، **نزهة المشتاق**، ص ۱۴۳.

۳ - موقعیت

بقیع مسیر دسترسی به قبایل یهودی‌نشین

[۲۳] **ابن سعد**، **محمد بن سعد**، **الطبقات الکبری**، ج ۳، ص ۲۴۱.

[۲۴] **صالحی شامی**، **محمد بن یوسف**، **سبل الهدی**، ج ۵، ص ۲۲.

و مجاور گورستان یهودیان

[۲۵] **بلعمی**، **ابوعلی محمد**، **تاریخنامه طبری**، ج ۵، ص ۱۳۹۸.

و قبیله بنی قریظه بوده است.

[۲۶] **ابن سعد**، **محمد بن سعد**، **الطبقات الکبری**، ج ۳، ص ۲۴۱.

منابع از «**یوم البقیع**» به عنوان زمان یکی از جنگ‌های خونین میان دو قبیله **اوس و خزرج** در این منطقه یاد کرده‌اند.

[۲۷] **یعقوبی**، **احمد بن اسحاق**، **تاریخ یعقوبی**، ج ۲، ص ۳۷.

[۲۸] **ابن اثیر**، **عز الدین**، **الکامل**، ج ۱، ص ۵۹۷.

۴ - سیر شکل‌گیری و تحول

با هجرت پیامبر به مدینه و گسترش این شهر، تعیین قبرستانی برای دفن اموات مسلمانان ضرورت یافت. از این روست، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) در پی بازدید از مناطق گوناگون مدینه، بقیع را که در فاصله‌ای اندک از جنوب شرقی مسجد نبوی و در مسیر باب جبرئیل مسجد قرار داشت،

[۲۹] **امینی**، **محمدامین**، **بقیع الغرقه**، ص ۳۴.

برگزید و فرمود: «من به این مکان فرمان یافته‌ام.»

[۳۰] ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۳۰۳.

[۳۱] حاکم نیشابوری، أبو عبدالله، المستدرک، ج ۳، ص ۲۰۹.

از زمان این رویداد گزارشی در دست نیست؛ ولی با توجه به هنگام وفات **اسعد بن زرارہ خزرجی** در **شوال** سال **۱۰۰** ق و دفن او در بقیع، شاید بتوان تعیین بقیع به عنوان قبرستان مسلمانان را به سال اول ق. و پس از بنای مسجد و یا همزمان با آن دانست.

[۳۲] ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۴۵۹.

[۳۳] ابن عبدالبر، یوسف بن عبد الله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۶۰۰، دار الجیل، بیروت، ۱۴۱۲ ه.ق.

برخی نویسندگان به قرینه مرتبه **عمرو بن نعمان بیاضی**، تاریخ دفن مردگان در بقیع را پیش از **اسلام** یاد کرده و گفته‌اند که با ظهور اسلام این آرامگاه به مسلمانان اختصاص یافت.

[۳۴] کعکی، عبدالعزیز بن عبدالرحمن، معالم مکه و المدینه، ص ۴۲۰.

در این دوره، بقیع پر از درختان غرق بود. از این رو، اصحاب برای دفن مردگان خود برخی درختان را قطع می‌کردند.

[۳۵] **نمیری بصری**، عمر بن شیبہ، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۰۰-۱۰۱.

پس از دفن **عثمان بن مظعون جمحی** در **ذیحجه** سال **۱۰۰** ق و تکلیف پیامبر بر مقام و جایگاه او،

[۳۶] ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۱۱۵.

مسلمانان برای دفن مردگان خود در بقیع ترغیب شدند. با وفات **ابراهیم**، فرزند پیامبر، به سال **۱۰۰** ق و دفن وی نزدیک قبر **عثمان بن مظعون**، اقبال اصحاب بیشتر شد و قبایل گوناگون مدینه نیز قسمت‌هایی از بقیع را برای دفن مردگان خود اختصاص دادند و درختان آن را قطع کردند. بدین سان، بقیع شکل قبرستانی با مقبره‌های خانوادگی یافت.

[۳۷] **نمیری بصری**، عمر بن شیبہ، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۲۱.

[۳۸] **منقری**، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۳.

دفن **فاطمه بنت اسد** مادر علی (علیه‌السلام)، **عابس** عموی پیامبر

[۳۹] **نمیری بصری**، عمر بن شیبہ، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۲۷.

و نیز امامان شیعه

[۴۰] **نمیری بصری**، عمر بن شیبہ، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۱۱.

[۴۱] **مسعودی**، ابی‌الحسن بن علی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۸۵.

در خانه **عقیل بن ابیطالب** که در غرب بقیع و در منطقه میان بقیع و مسجد قرار داشت، بیانگر آن است که مسلمانان همچنان مردگان خود را بیرون از قبرستان بقیع و در خانه‌های خود دفن می‌کردند؛ با مرگ **عثمان بن عفان**، از دفن وی در بقیع پیشگیری شد. به ناچار او در **حش کوبک**، بستانی کنار ضلع جنوب شرقی بقیع، که محل دفن **یهودیین** بود، دفن گشت.

[۴۲] **طبری**، محمد بن جریر، تاریخ الطبری تاریخ الرسل والملوک، ج ۴، ص ۴۱۲.

[۴۳] **نمیری بصری**، عمر بن شیبہ، تاریخ المدینه، ج ۴، ص ۱۲۴۱.

به گزارشی، **معاویه** در فرمانی به **مروان بن حکم**، او را مأمور الحاق حش کوبک به **قبرستان** کرد.

[۴۴] ابن ابی‌الحدید، عز‌الدین، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۷.

این **عساکر** که گرایش اموی دارد، خرید و الحاق حش کوبک به بقیع را به عثمان نسبت داده

[۴۵] ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق، ج ۳۹، ص ۵۲۰، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۵ ه.ق.

و این **شبه** این الحاق را بدون یاد کردن از نام معاویه، به **بنی‌امیه** نسبت داده است.

[۴۶] **نمیری بصری**، عمر بن شیبہ، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۱۳.

این مکان بعدها به آرامگاه بنی‌امیه تبدیل شد. بر پایه گزارشی، هنگام وفات **ابوسعید خدری** به سال ۷۴ ق

[۴۷] ابن کثیر، ابی‌القداء، البداية و النهایه، ج ۹، ص ۷، محقق: علی شیری، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

[۴۸] ابن‌العماد حنبلی، عبدالحمید بن احمد، شذرات الذهب، ج ۱، ص ۳۱۱.

هنوز در بقیع که در آن هنگام افزون بر وسعت دوران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، حش کوبک هم به آن پیوسته بود، جای خالی یافت می‌شد؛ زیرا بر پایه وصیت ابوسعید، او را در دورترین نقطه بقیع که کسی دفن نشده بود، به خاک سپردند.

[۴۹] **نمیری بصری**، عمر بن شیبہ، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۹۵.

۵ - گسترش قبرستان

به تدریج خانه‌هایی که برخی صحابه در بقیع یا زمین‌های میان بقیع و مسجدالنبی ساخته بودند و برخی از آن‌ها به صورت آرامگاه خانوادگی درآمد، همچون خانه‌های **عقیل بن ابیطالب**،

[۵۰] ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۴، ص ۳۳.

محمد بن حنفیه

[۵۱] ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۸۳.

و **ابن افلح**

[۵۲] **طبری**، محمد بن جریر، تاریخ الطبری تاریخ الرسل والملوک، ج ۷، ص ۵۸۷.

[۵۳] **اصفہانی**، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، ص ۲۹۵.

به قبرستان افزوده شد. از زمان دقیق این گسترش‌ها گزارشی در دست نیست؛ خانه‌ها و کوچه‌هایی که به تدریج **بقیع‌العمات** (محل دفن عمه‌های پیامبر) را از قبرستان بقیع جدا کرده بودند، به سال ۳۷۳ ق

[۵۴] **امینی**، محمدامین، بقیع‌الغرق، ص ۳۶.

ویران شدند. این بخش به مساحت تقریبی ۳۵۰۰ متر مربع و نیز کوچه میان آن‌ها که زقاق‌العمات نام داشت، با مساحت ۸۲۴ متر مربع به بقیع پیوست و مساحت بقیع به ۱۵۰۰۰ متر مربع (۱۰۰۰۱۵۰ متر) افزایش یافت.

[۵۵] **امینی**، محمدامین، بقیع‌الغرق، ص ۳۵-۳۶.

[۵۶] کعکی، عبدالعزیز بن عبدالرحمن، معالم مکه و المدینه، ص ۴۲۰.

به سال ۱۳۸۵ ق. قطعه‌ای مثلث شکل در شمال بقیع که متعلق به شهرداری بود، با مساحت ۱۶۱۲ متر مربع افزوده شد.

[۵۷] **حافظ علی**، فصول من تاریخ المدینه، ص ۱۷۳.

[۵۸] کعکی، عبدالعزیز بن عبدالرحمن معالم مکه و المدینه، ص ۴۲۰.

با گسترش دوم **سعودی**، مساحت بقیع به ۱۸۰۰۰۰ متر مربع افزایش یافت.

[۵۹] مجموعه‌المصوره، ج ۳، ص ۴۶۱.

بقیع اکنون در شرق مسجدالنبی و تقریباً در فاصله ۱۰۰ متری آن و وسط شهر مدینه قرار دارد. خیابان‌های ستین، عبدالعزیز و ابودر آن را در برگرفته‌اند و خیابان باب‌العوالی از آن

۶ - فضیلت و اهمیت

از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) گزارش شده که به وی امر شد تا برای اهل بقیع آموزش بخواند و بر آن‌ها درود فرستد.

[۶۱] مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۱، ص ۱۸۱، مؤسسة آل البيت، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ه.ق.

[۶۲] منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۷۷.

در روایتی دیگر از وی آمده که هفتاد هزار تن با صفت نیکو از بقیع محشور می‌شوند.

[۶۳] نمیری بصری، عمر بن شیه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۹۲.

[۶۴] منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۷۹.

بر پایه گزارشی دیگر، او بشارت داد که کسانی که در بقیع دفن شوند، مورد **شفاعت** یا گواهی وی قرار خواهند گرفت.

[۶۵] نمیری بصری، عمر بن شیه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۹۷.

پیامبر هر شب جمعه به بقیع می‌رفت و برای اموات بقیع **طلب آمرزش** می‌کرد.

[۶۶] ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ص ۳۳۴.

گزارش‌هایی بسیار از حضور پیامبر و سخن

[۶۷] فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، ص ۲۰۰-۲۰۱.

و نمازهای او از جمله **نماز استسقاء**

[۶۸] متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال، ج ۸، ص ۴۳۵-۴۳۶.

و **نماز عید**

[۶۹] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۳، ص ۴۶۰.

[۷۰] طوسی، محمد بن حسن، التهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۲۹-۱۳۰.

در بقیع حکایت دارند. پیامبر در واپسین سال زندگی خود از سوی **خداوند** دوبار مامور شد تا به بقیع رود و برای اموات بقیع طلب آمرزش کند. در دومین حضور، در حالی که مریض بود، همراه با **حضرت علی (علیه‌السلام)** و **فضل بن عباس** و گروهی از **صحابه** به بقیع رفت و اموات را با عباراتی خطاب نمود و از **وفات** خود خبر داد.

[۷۱] دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۸۰، تحقیق سید هاشم میلانی.

بر پایه گزارش برخی منابع، **حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها)** دخت گرامی پیامبر پس از رحلت پدر بزرگوارش هر روز با دیده‌گریبان به بقیع می‌رفت و در **بیت الاحزان** به سوگواری برای او می‌پرداخت.

[۷۲] ابن جبیر، محمد بن احمد، رحلة ابن جبیر، ص ۱۵۵.

محل نماز خواندن حضرت زهرا در مسجدی در بقیع مشخص بوده است.

[۷۳] صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷۷.

۷ - بقیع مورد توجه اهل بیت

بقیع مورد توجه اهل بیت نیز بوده و گزارش‌هایی از زیارت بقیع از جانب اهل بیت در منابع یاد شده است.

[۷۴] ابن کثیر، ابی‌الفداء، البدایة و النهایه، ج ۸، ص ۲۲۸.

[۷۵] برخی از قماة المحدثین، القلب الرسول، ص ۵۸.

همچنین برخی منابع کراماتی از امامان را که در بقیع ظهور یافته، ثبت کرده‌اند.

[۷۶] ابن حمزة الطوسی، عمادالدین، الثاقب، ص ۳۷۰-۳۷۱.

[۷۷] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۸۵، مؤسسة الوفاء.

دانشورانی بسیار از شیعه

[۷۸] القاضی ابن البراج، عبدالعزیز، المهذب، ج ۱، ص ۲۸۳.

[۷۹] محقق حلّی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۰.

[۸۰] ابن فهد حلّی، جمال الدین، الراسائل العشر، ص ۲۷۲، انتشارات کتابخانه آیه الله مر عشی نجفی، قم، ۱۴۰۹ ه.ق.

و سنی

[۸۱] خطیب شربینی، شمس‌الدین، مغنی المحتاج، ج ۲، ص ۵۶.

[۸۲] بهوتی، منصور بن یونس، کشاف القناع، ج ۲، ص ۵۱۴.

به استحباب **زیارت بقیع** فتوا داده‌اند؛ اهمیت بقیع نزد مسلمانان به گونه‌ای بود که برخی با صرف هزینه‌های بسیار، به رغم نبود امکانات، جنازه عزیزانشان را برای دفن در بقیع از دورترین نقاط جهان اسلام بدان‌جا منتقل می‌کردند. از آن جمله می‌توان به انتقال جنازه **امیر جویان** به بقیع اشاره کرد.

[۸۳] منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۰.

۸ - زیارت بقیع مورد توجه مسلمانان

با توجه به تأکیدهای پیامبر، زیارت قبور بقیع در طول تاریخ اسلام همواره مورد اهتمام مسلمانان بوده و حاکمان نیز به آن توجه نشان داده‌اند. در دوره امویان، حش کوبک به بقیع پیوست و سنگی که به دست پیامبر بر قبر عثمان بن مظعون قرار داده شده بود، به قبر عثمان بن عفان انتقال یافت.

[۸۴] منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۹.

نخستین گنبد بر حرم امامان بقیع و قبر عباس بن عبدالمطلب به دست **مجدالملك بر اوستانی**، وزیر **برکیارق سلجوقی** (حک: ۴۸۶ق-۴۹۸ق) ساخته شد.

[۸۵] ابن الاثیر، عزالدین، الکامل، ج ۸، ص ۲۱۴، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۵ ه. ق.
در سال ۱۹ ه. ق. به دست **مستتر شد بالله** (حک: ۴۸۵ق-۵۲۹ق) و میان سال‌های ۶۲۳ق-۶۴۰ق به دست **مستتر بالله** (حک: ۶۲۳ق-۶۴۰ق) تعمیراتی در آن انجام گرفت.

[۸۶] منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۰.

فاطمیان نیز به ساخت قبه و بارگاهی بر قبر اسماعیل فرزند **امام صادق (علیه‌السلام)** پرداختند.

[۸۷] منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۳.

بر پایه گفته **رفعت پاشا** (م. ۱۳۵۳ق) مردم مدینه هر پنجشنبه به زیارت اهل قبور بقیع می‌رفتند و بر قبرها دسته‌های ریحان و بر کنار آن‌ها شاخه‌های گل می‌چیدند. شیعیان برای زیارت قبور امامان بقیع باید پنج فروش به نگهبانان می‌دادند.

[۸۸] سویفی التاجر، ابراهیم بن شریف، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۴۸۰.

گویا پول ستاندن از شیعیان برای زیارت بقیع پیش از آن نیز مرسوم بوده است. **محبولی میرزا** به سال ۱۲۶۰ق. از پرداخت مبلغی برای زیارت امامان بقیع گزارش داده است.

[۸۹] جعفریان، رسول، پنجاه سفرنامه، ج ۱، ص ۶۲.

۹ - آداب و کیفیت زیارت

از جمله آداب زیارت بقیع، به غسل نمودن

[۹۰] طوسی، محمد بن حسن، التهذیب، ج ۶، ص ۷۹، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۴ ه. ق.

[۹۱] مفید، محمد بن محمد، المقنعه، ص ۴۷۵، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ه. ق.

[۹۲] محقق حلی، جعفر بن حسن، المختصر النافع، ص ۹۸.

و خواندن هشت رکعت نماز زیارت (برای هر امام دو رکعت) اشاره شده است.

[۹۳] صدوق، محمد بن علی، لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷۷، محقق، مصحح غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسنین، قم، ۱۴۱۳ ه. ق.

[۹۴] حلی، جمال‌الدین، منتهی المطلب، ج ۲، ص ۸۹۴.

عباراتی از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) در زیارت اهل بقیع گزارش شده است؛ از جمله: «السلام علیکم اهل الدیار رحمکم الله؛ سلام بر شما اهل قبور؛ خداوند رحمتتان کند»

[۹۵] ابن قولویه قمی، محمد بن جعفر، کامل الزیارات، ص ۳۳۴، مکتبه الصدوق.

در گزارشی دیگر، پیامبر اموات بقیع را با این عبارت خطاب نمود: «السَّلَامُ عَلَىٰ أَهْلِ الدِّيَارِ مَنْ فِيهَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، دَارِ قَوْمٍ مَيِّتِينَ، وَ إِنَّا فِي أَنْفُسِهِمْ - أَوْ قَالَ - فِي أَنْفُسِكُمْ لِأَجْفُونَ؛ سلام بر مسلمانان از این سرزمین و بر کسانی که در خانه‌های مرگن مسکن دارند و ما نیز پس از آنان روانیم».

[۹۶] صنعانی، عبدالرزاق بن همام، المصنف، عبدالرزاق، ج ۳، ص ۵۷۴.

عایشه از حضور شبانه پیامبر در بقیع و آمرزش‌خواهی برای اموات آن گزارش داده است. آن گاه که وی چگونگی زیارت بقیع را از پیامبر جویا شد، او در جواب فرمود: «قولی: السَّلَامُ عَلَىٰ أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَيَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَقِيمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَخْرِينَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِأَجْفُونَ»

[۹۷] قشیری نیسابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۱، محقق: محمد فواد عبدالباقی، دار احیاء التراث العربی.

بگو: سلام بر اهل سرزمین از مؤمنان و مسلمانان. خداوند رحمت کند پیشی گیرندگان بر ما و کسانی را که پس از ما خواهند آمد. ما به خواست خدا به شما خواهیم پیوست»
برای زیارت امامان بقیع آداب و **زیارت‌نامه** ویژه روایت شده است.

[۹۸] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۴، ص ۵۵۹، محقق، مصحح غفاری علی اکبر، آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ه. ق.

[۹۹] مفید، محمد بن محمد، المقنعه، ص ۴۷۵-۴۷۶، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ه. ق.

ابراهیم فرزند رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) و نیز فاطمه بنت اسد مادر گرامی امیرالمؤمنین دارای زیارت‌نامه‌های ویژه هستند.

[۱۰۰] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۲، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ه. ق.

۱۰ - شیوه دفن در قبرستان

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) پس از دفن عثمان بن مظعون، سنگی را بالای قبرش گذاشت تا قبرش شناخته شود و دیگر مسلمانان کنار او دفن شوند.

[۱۰۱] ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۳۰۵، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ه. ق.

این سنگ بزرگ تا هنگام حکمرانی مروان بر مدینه وجود داشت. او این سنگ را به گوشه‌ای پرتاب کرد تا قبر عثمان بن مظعون مشخص نباشد.

[۱۰۲] نمیری بصری، عمر بن شیه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۰۲.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) فرزندش ابراهیم را همانند عثمان دفن کرد و بدن او را در **لحد** با آجر پوشاند و پس از دفن، بر آن آب پاشید و بالای قبرش ایستاد و بر او سلام داد.

[۱۰۳] نمیری بصری، عمر بن شیه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۹۹.

[۱۰۴] منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۲.

در بقیع مردگان با فاصله بسیار از یکدیگر دفن می‌شدند و قبر مردان با یک سنگ در بالای سر و قبر زنان با دو سنگ در بالا و پایین مشخص می‌شد.

[۱۰۵] جعفریان، رسول، آثار اسلامی، ص ۳۳۲.

بر سنگ مزارهای بقیع مطالبی نیز نگاشته می‌شد که از آن جمله می‌توان به برخی ابیات شاعر تونسی **ابوالبرکت سعیدی** (م. ۳۳۴ق) اشاره کرد:

حضرنا مسجد الهادی الشفیع

وجئنا لنفنن بالبقیع

إذا کن قبری فی البقیع بطیبه

فلا شک انی فی حمی صلحب القبر

نبی الهدی المبعوث من آل هاشم

علیه صلاة الله فی السر والجهر

[۱۰۶] سخاوی، شمس‌الدین، التحفة اللطیفه، ج ۱، ص ۲۰۶، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ه. ق.

به پیشگاه راهنمای شفاعتگر آمدم تا در بقیع دفن شوم. اگر قبرم در بقیع در مدینه باشد، بی‌تردید در حمایت پیامبر هستم؛ پیامبری که از خاندان هاشم مبعوث شد و درود خداوند در نهان و آشکار بر او باد!

۱۱ - مدفونان

گزارش‌ها از اسعد بن زراره خزرگی
[۱۰۷] ابن حبان، محمد بن حبان، الثقلت، ج ۱، ص ۱۳۵-۱۳۶، دائرة المعارف العثمانية بحيدر آباد الدکن الهند، ۱۳۹۳ ه.ق.
[۱۰۸] حکم نیشابوری، أبو عبد الله، المستدرک، ج ۳، ص ۲۰۶.
یا عثمان بن مظعون قرشی صحابی مشهور
[۱۰۹] ابی شیبۀ کوفی، عبد الله بن محمد، المصنف، ج ۷، ص ۲۶۴.
[۱۱۰] حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۷۱.
[۱۱۱] عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری، ج ۹، ص ۱۱۸، دار المعرفة، بیروت، ۱۳۷۹ ه.ق.
به عنوان نخستین مدفون در بقیع یاد کرده‌اند. ابن شیبۀ، اسعد را نخستین انصاری و عثمان را نخستین مهاجر مدفون در بقیع دانسته است.
[۱۱۲] نمیری بصری، عمر بن شیبۀ، تاریخ المدینہ، ج ۱، ص ۹۶.
[۱۱۳] نمیری بصری، تاریخ المدینہ، ج ۱، ص ۱۰۱.
بقیع آرامگاه برخی امامان شیعه، گروهی از صحابه رسول خدا، تابعان، دانشوران و سادات است که از آن جمله‌اند:

۱۱.۱ - اهل بیت و بستگان رسول خدا

امام حسن مجتبی (علیه السلام)، امام علی بن حسین زین العابدین (علیه السلام)، امام محمد باقر (علیه السلام) و امام جعفر صادق (علیه السلام) همراه فاطمه بنت اسد مادر امام علی (علیه السلام)

[۱۱۴] منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۵.
[۱۱۵] منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۵.
و عیاس عموی پیامبر
[۱۱۶] ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۲۴.
[۱۱۷] منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۵.
که رو به روی در ورودی اصلی بقیع به سوی جنوب در سمت راست دفن شده‌اند.
[۱۱۸] مسعودی، ابی الحسن بن علی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۸۶.
دختران رسول خدا زینب،
[۱۱۹] ابن عبدالبر، یوسف بن عبد الله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۵۳.
[۱۲۰] ابن اثیر، عز الدین، اسد الغابه، ج ۷، ص ۱۳۱، دار الکتب العلمیة، المحقق معوض، علی محمد، عبدالموجود، عادل احمد، ۱۴۱۵ ه.ق.
[۱۲۱] عسقلانی، ابن حجر، الاصابه، ج ۸، ص ۱۵۱.

رقیه

[۱۲۲] ابن عبدالبر، یوسف بن عبد الله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۳۹-۱۸۴۰.
[۱۲۳] ابن اثیر، عز الدین، اسد الغابه، ج ۷، ص ۱۱۴، دار الکتب العلمیة، المحقق معوض، علی محمد، عبدالموجود، عادل احمد، ۱۴۱۵ ه.ق.

و ام کلثوم

[۱۲۴] ابن عبدالبر، یوسف بن عبد الله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۳۹-۱۸۴۱.
[۱۲۵] ابن اثیر، عز الدین، اسد الغابه، ج ۷، ص ۳۷۴، دار الکتب العلمیة، المحقق معوض، علی محمد، عبدالموجود، عادل احمد، ۱۴۱۵ ه.ق.
[۱۲۶] عسقلانی، ابن حجر، الاصابه، ج ۸، ص ۱۳۸-۱۳۹.

در برابر در اصلی با آنک فاصله‌ای از آن دفن شده‌اند. عقیل بن ابی طالب،

[۱۲۷] منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۶.
[۱۲۸] نجمی، محمدصادق، تاریخ حرم ائمه بقیع، ص ۲۵۰.
عبدالله بن جعفر بن ابی طالب،

[۱۲۹] تقی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ج ۱، ص ۴۳، محقق / مصحح حسینی، عبد الزهراء، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ه.ق.

[۱۳۰] منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۷.
حلیمه سعدیه دایه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)

[۱۳۱] ابن عبدالبر، یوسف بن عبد الله، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۲-۱۸۱۳.

[۱۳۲] ابن اثیر، عز الدین، اسد الغابه، ج ۷، ص ۶۹-۷۰، دار الکتب العلمیة، المحقق معوض، علی محمد، عبدالموجود، عادل احمد، ۱۴۱۵ ه.ق.

[۱۳۳] ابن اثیر، عز الدین، اسد الغابه، ج ۷، ص ۴۸-۴۹، دار الکتب العلمیة، المحقق معوض، علی محمد، عبدالموجود، عادل احمد، ۱۴۱۵ ه.ق.

و صفیه عمه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

[۱۳۴] ابن اثیر، عز الدین، اسد الغابه، ج ۷، ص ۱۷۱، دار الکتب العلمیة، المحقق معوض، علی محمد، عبدالموجود، عادل احمد، ۱۴۱۵ ه.ق.

نیز از مدفونان بقیع هستند.

با وجود شهرت دفن **عائکه** عمه دیگر پیامبر در بقیع

[۱۳۵] حافظ، علی، فصول من تاریخ المدینہ، ص ۱۷۰.

منابع تاریخی گزارشی در این زمینه ارائه ندادند. ام سلمه، حفصه، زینب بنت جحش، زینب بنت خزیمه، صفیه بنت حبیب، عایشه بنت ابی بکر، و ماریه قبطیه از همسران پیامبر در شمال قبور دختران پیامبر در فاصله هشت متری سمت راست دفن شده‌اند.

[۱۳۶] ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۷، تحقیق محمد عبد القادر عطا، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۰ ه.ق.

۱۱.۲ - صحابه و تابعان

ابوسعید خدری،

[۱۳۷] منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۱۳.

عثمان بن عفان،

[۱۳۸] ابن اثیر، عز الدین، اسد الغابه، ج ۳، ص ۴۹۱.

[۱۳۹] عسقلانی، ابن حجر، الاصابه، ج ۴، ص ۳۷۹.

[۱۴۰] زرکلی، خیر الدین، الاعلام، ج ۴، ص ۲۱۰.

سعد بن ابوقاص،

[۱۴۱] ابن عبدالبر، یوسف بن عبد الله، الاستیعاب، ج ۲، ص ۶۱۰.

[۱۴۲] ابن کثیر، ابوالفداء، البداية و النهایه، ج ۸، ص ۷۸، دار الفکر، ۱۴۰۷ ه.ق.

سعد بن معاذ،

[۱۴۳] ابن جوزی، ابوالفرج، المنتظم، ج ۳، ص ۲۴۷، دار الکتب العلمیه.

عبدالله بن مسعود،

[۱۴۴] ابن عبدالبر، یوسف بن عبد الله، الاستیعاب، ج ۳، ص ۹۹۳-۹۹۴.

کنون بن هزم،

[۱۴۵] صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی، ج ۱۲، ص ۵۳.

خنس بن حذافه،

[۱۴۶] ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۳۰۰.

مقداد بن عمرو

[۱۴۷] ابن حبان، محمد بن حبان، الثقات، ج ۲، ص ۲۵۴، دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۹۶ ه.ق.

و نیز برخی شهدای اُحد (ق)

[۱۴۸] واقفی، محمد بن عمر، المغازی، ج ۱، ص ۳۱۲، الأعلی.

از جمله صحابه مدفون در بقیع هستند.

۱۱.۳ - علما و سران و شخصیت‌های اسلامی

مالک بن انس (م. ۱۷۹ق) رئیس مذهب مالکی،

[۱۴۹] دینوری، ابن قتیبه، المعارف، ص ۴۹۸-۴۹۹، هیئة المصریة العالمة للکتب.

[۱۵۰] منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۲.

محمد بن علی بن ابی منصور مشهور به **جمال الدین جواد اصفهانی** (م. ۵۵۹ق) وزیر زنگیان موصل و شام،

[۱۵۱] ابن خلکان، شمس الدین، وفیات الاعیان، ج ۵، ص ۱۴۳.

ابو شجاع ظهیر الدین (م. ۴۸۸ق)

[۱۵۲] الذهبی، شمس الدین، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۳۰.

[۱۵۳] ابن کثیر، ابوالفداء، البداية و النهایه، ج ۱۲، ص ۱۵۰.

وزیر آل بویه و نویسنده ذیل تجارب الامم، **سمهودی** (م. ۹۱۱ق) مؤلف **وفاء الوفاء**،

[۱۵۴] نقوی، سید حامد، عقبات الانوار، ج ۸، ص ۳۵۹.

ابو الفضل شهاب الدین نویری از مجاوران بیت الله الحرام که در مدینه وفات یافت،

[۱۵۵] سخاوی، شمس الدین، التحفة اللطیفة، ج ۱، ص ۱۱۴، الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۴ ه.ق.

جعفر بن حسن برزنجی (م. ۱۳۱۷ق) مؤلف **مولد النبی**،

[۱۵۶] قمی، عبّاس، الکنی و الالقاب، ج ۲، ص ۷۷.

[۱۵۷] طهرانی، آقا بزرك، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۵، ص ۲۱-۲۲، اسماعیلیان.

عبدالقادر بن توفیق شلبی (م. ۱۳۶۹ق) رئیس **حنفیان** مدینه

[۱۵۸] زرکلی، خیر الدین، الاعلام، ج ۴، ص ۳۸.

و **سید محمدتقی طالقانی** (م. ۱۳۷۶ق) نماینده آیت الله بروجردی در مدینه

[۱۵۹] شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۶۶.

از جمله مدفونان بقیع به شمار می‌روند.

۱۲ - بقعه‌های بقیع

به تدریج بر برخی از قبور بقیع، گنبدها و نشانه‌هایی ساخته شد. این شبه به گزارش از **ابن زبالة** (م. ۲۰۰ق) از وجود مسجدی بر قبر عبّاس بن عبدالمطلب و امامان شیعه خبر می‌دهد.

[۱۶۰] نمیری بصری، عمر بن شیبه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۲۷.

سفرنامه نویسانی چون **ابن جبیر** (م. ۶۱۲ق)،

[۱۶۱] **ابن جبیر**، محمد بن احمد، رحلة ابن جبیر، ص ۱۵۵.

ابن نجار (م. ۶۴۳ق)

[۱۶۲] اخبار مدینه الرسول، ص ۱۵۳.

و **ابن بطوطه** (م. ۷۷۹ق)

[۱۶۳] **ابن بطوطه**، محمد بن عبد الله، رحلة ابن بطوطه، ج ۱، ص ۳۶۰-۳۶۱.

نیز از این آثار یاد کرده‌اند. از جمله این گنبدها و نشانه‌ها می‌توان به گنبدی بر قبور امامان چهارگانه و نیز سنگی بر قبر فاطمه بنت اسد و امامان بقیع با عبارت «بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله مبدء الامم و محیی الرمم هذا قبر فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه و سلم سیده نساء العالمین و قبر الحسن بن علی بن ابی طالب و علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب و محمد بن علی و جعفر بن محمد رضی الله عنهم»

[۱۶۴] مسعودی، ابی الحسن بن علی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۸۵.

[۱۶۵] مسعودی، علی بن حسین، التنبیه و الاشراف، ص ۲۶۰.

و نیز گنبد قبرهای عثمان بن عفان،

[۱۶۶] منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۲.

عقیل بن ابی طالب،

[۱۶۷] منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۰.

قبور همسران پیامبر،

[۱۶۸] منقری، نصر بن مزاحم، روفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۰-۱۰۱.

عبدالله بن جعفر طیار،

[۱۶۹] منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۲.

[۱۷۰] منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۱.

ابراهیم فرزندان رسول خدا

[۱۷۱] منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۱-۱۰۲.

و همچنین گنبد قبر امیر چوپان از امیران ایلخانی

[۱۷۲] منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۰.

اشاره کرد.

۱۳ - تخریب

با قدرت گرفتن وهابیان در عربستان که زیارت قبور را شرک و وجود بقعه‌ها و ضریح در پیرامون قبور را از مظاهر شرک می‌دانند، رویکرد به بقیع و دیگر زیارتگاه‌ها دچار تحول شد؛ در سال ۱۲۲۰ق مدینه به محاصره نیروهای وهابی درآمد. پس از تسلیم شدن شهر، سعود بن عبدالعزيز همراه توقیف و تصرف همه اموال موجود در خزائن حرم نبوی، دستور ویران کردن همه گنبد‌های بقیع را صادر کرد.

[۱۷۳] من اخبار الحجاز و النجد، ص ۱۰۴.

[۱۷۴] هاجری، یوسف، البقیع قصة التتمیر، ص ۸۴.

با توجه به موج اعتراض مسلمانان کشورهای اسلامی به اهانت‌های سعودیان، دولت عثمانی که تمایل به بازپس گرفتن حرمین داشت، لشکری انبوه برای تصرف مدینه فرستاد و در ذی‌حجه ۱۲۲۷ق آن شهر را بازپس گرفت. برخی از آن بقعه‌ها در سال ۱۲۳۴ق به دستور سلطان محمود ثانی (حک: ۱۲۲۳ق-۱۲۵۵ق) بازسازی شد.

[۱۷۵] جعفریان، رسول، پنجاه سفرنامه، ج ۳، ص ۱۹۶.

اما با حمله دیگر بار وهابیان به سال ۱۳۴۴ق همه آثار تاریخی این قبرستان به فتوای شیخ عبدالله بلهید، قاضی القضاة سعودی، به بهانه شرک و بدعت بودن زیارت قبور در هشتم شوال این سال ویران شد.

[۱۷۶] هاجری، یوسف، البقیع قصة التتمیر، ص ۱۱۳-۱۳۹.

[۱۷۷] امینی، محمدامین، بقیع الغرقه، ص ۴۹.

این بار نیز ویرانی بقیع واکنش‌های بسیاری را میان مسلمانان جهان برانگیخت.

۱۴ - واکنش مسلمانان در تخریب

دولت ایران روز ۱۶ صفر سال ۱۳۴۴ق را به مناسبت هتک حرمت به بقیع، عزای عمومی اعلان کرد و آیت‌الله مدرس به تلاش‌هایی برخاست و مجلس ایران کمیسیونی را برای بررسی موضوع تشکیل داد. مسلمانان در کشورهای چین، هند، پاکستان و نیز کشورهای استقلال یافته شوروی سابق با برپایی تجمعات و ارسال پیام به این اقدام اعتراض کردند. دولت سعودی برای پیشگیری از خشم مسلمانان و توجیه کارهای خود، نمایندگان دولت‌های مسلمان را به مکه فراخواند. از ایران هیاتی مرکب از غفار خان جلال السلطنه، وزیر مختار ایران در مصر، و حبیب الله خان هویدا در تاریخ ۲۴/۶/۱۳۰۴ق وارد مکه شد. با ترفندهای دولت سعودی و عدم پیگیری جدی از سوی مقام‌های کشورهای اسلامی، این قضیه مسکوت ماند.

[۱۷۸] نک: قاضی عسکر، علی، تخریب و بازسازی بقیع، ص ۴۱-۶۰.

پس از گذشت حدود ۴۰ سال از این حادثه، حکومت سعودی پس از تلاش‌ها و پیگیری‌های شیعیان عراق به رهبری شیخ کاشف الغطاء و پیگیری‌های امیر اعلم، سفیر ایران در حجاز، ساییانی کنار این مقابر مطهر ساخت و راهی سنگ‌چین برای عبور و مرور افراد در بقیع ایجاد کرد.

[۱۷۹] محقق، علی، اسناد روابط ایران و عربستان، ص ۲۴۸-۲۶۰، وزارت امور خارجه.

[۱۸۰] نک: قاضی عسکر، علی، تخریب و بازسازی بقیع، ص ۹۸-۱۴۷.

نیز دیوار بقیع در دوران ملک فهد بن عبدالعزيز به شکلی زیبا بازسازی گشت و سپس در سال‌های ۱۴۱۸ق-۱۴۱۹ق مسیرهای درون بقیع برای رفت و آمد زائران سنگ‌گرفش شد.

[۱۸۱] جعفریان، رسول، آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۳۳۲.

۱۵ - وضعیت کنونی

بقیع دارای سه در است که یکی از آن‌ها در دیوار شرقی و دیگری در دیوار شمالی و در سوم در سمت غرب آن قرار دارد. در سمت غرب، در اصلی است و برای ورود جنازه و زائران بقیع باز می‌شود.

[۱۸۲] مدنی، عبدالعزیز، التاریخ الامین، ص ۳۵۶.

در دوره‌های گذشته نیز زیارت بقیع با مشکلاتی همراه بود و زائران شیعی برای دریافت اجازه زیارت ناچار به پرداخت باج به دربانان و مأموران بودند؛ اما زیارت قبور بقیع با ممنوعیت کلی روبه‌رو نبود. اکنون در های بقیع در ساعت ویژه از روز (بعد از نماز صبح و پس از نماز عصر حدود دو ساعت) گشوده می‌شود و زائران مرد می‌توانند به درون بقیع روند و زیارت کنند. با وجود برخی گزارش‌ها از حضور حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) در بقیع در روزگار پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) و هنگام تدفین رقیه دختر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم)

[۱۸۳] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۳، ص ۲۴۱.

و نیز تداوم زیارت بقیع از جانب زنان در دوره‌های گوناگون که در سفرنامه‌ها بازتاب یافته،

[۱۸۴] جعفریان، رسول، پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۷۵۰-۷۵۱.

[۱۸۵] جعفریان، رسول، سفرنامه منظوم حج، ص ۷۰-۷۱.

آل سعود به پشتوانه احادیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ورود زنان به بقیع را ممنوع می‌شمردند و حتی هنگام ورود مردان، از گرد آمدن زنان پشت دیوارهای بقیع پیشگیری می‌کنند.

[۱۸۶] رجبی، محمدحسین، حج ۲۶، ص ۳۵۹.

ادارهای مشهور به اداره امر به معروف و نهی از منکر نزدیک در اصلی بقیع مستقر شده است که از نزدیکی زائران به قبور و تبرک جستن به آن‌ها پیشگیری می‌نماید و به تبلیغ باورهای وهابیان می‌پردازد.

[۱۸۷] جعفریان، رسول، با کاروان صفا، ص ۱۳۵-۱۳۷.

۱۶- تکنگراری‌ها

با توجه به اهمیت و فضیلت بقیع، برخی محققان تکنگراری‌هایی را در موضوع بقیع به رشته نگارش درآورده‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: **القیع قصة تدمير آل سعود للأثار الإسلامية في الحجاز، يوسف الهاجري؛ بقیع الغرقد، مهندس حاتم عمر طه و دکتر محمد انور البکری؛ البقیع الغرقد، سيد محمد حسینی شیرازی؛ تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، سيد علی قاضی عسکر.**

۱۷- منابع

- (۱) آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، قم، مشعر، ۱۳۸۶ش.
- (۲) احسن التقاسیم، المقدسی البشاری (م، ۳۸۰ق)، قاهره، مکتبه مدبولی، ۱۴۱۱ق.
- (۳) ارشاد القلوب، حسن بن محمد الدیلمی (م، ۸۴۱ق)، قم، الرضی، ۱۴۱۲ق.
- (۴) الارشاد، المفید (م، ۴۱۳ق)، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق.
- (۵) الاستیعاب، ابن عبدالبر (م، ۴۶۳ق)، به کوشش البجای، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق.
- (۶) اسد الغابه، ابن اثیر (م، ۶۳۰ق)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
- (۷) الاصابه، ابن حجر العسقلانی (م، ۸۵۲ق)، به کوشش علی معوض و عادل عبدالموجود، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- (۸) الاعلام، الزرکلی (م، ۳۹۶ق)، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۹۷م.
- (۹) امتاع الاسماع، مقریزی (م، ۸۴۵ق)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
- (۱۰) بحار الانوار، المجلسی (م، ۱۱۰ق)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- (۱۱) البدايه و النهايه، ابن کثیر (م، ۷۷۴ق)، بیروت، مکتبه المعارف.
- (۱۲) بقیع الغرقد، محمدامین الامینی، مشعر، ۱۳۸۶ش.
- (۱۳) پنجاه سفرنامه حج قاجاری، به کوشش رسول جعفریان، تهران، نشر علم، ۱۳۸۹ش.
- (۱۴) تاریخ بلعی (تاریخنامه طبری)، بلعی (م، ۳۲۵ق)، به کوشش روشن، سروش، ۱۳۷۸ش. و البرز، ۱۳۷۳ش.
- (۱۵) تاریخ حرم انمه بقیع، محصلانق نجمی، قم، المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۹ق.
- (۱۶) تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک)، طبری (م، ۳۱۰ق)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- (۱۷) تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر (م، ۵۷۱ق)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
- (۱۸) تاریخ المدینه المنوره، ابن شیبّه (م، ۲۶۲ق)، به کوشش شلتوت، قم، دار الفکر، ۱۴۱۰ق.
- (۱۹) تاریخ یعقوبی، احمد بن یعقوب (م، ۲۹۲ق)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق.
- (۲۰) التحفه اللطیفه، شمس الدین السخاوی (م، ۹۰۲ق)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- (۲۱) تفسیر فرات الکوفی، الفرات الکوفی (م، ۳۰۷ق)، به کوشش محمد کاظم، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۴ش.
- (۲۲) التنبیه و الاشراف، مسعودی (م، ۳۴۵ق)، بیروت، دار صعب.
- (۲۳) تهذیب الاحکام، طوسی (م، ۴۶۰ق)، به کوشش موسوی و اخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
- (۲۴) الثاقب فی المناقب، ابن حمزه (م، ۵۶۰ق)، به کوشش علوان، قم، انصاریان، ۱۴۱۲ق.
- (۲۵) الثقل، ابن حبان (م، ۳۵۴ق)، الکتب الثقافیه، ۳۹۳ق.
- (۲۶) خلاصه عیقلت الانوار، علی الحسینی المیلانی، تهران، بعثت، ۱۴۰۵ق.
- (۲۷) الذریعه الی تصانیف الشیعہ، آقا بزرگ تهرانی (م، ۳۸۹ق)، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ق.
- (۲۸) رحله ابن جبیر، محمد بن احمد (م، ۶۱۴ق)، بیروت، دار مکتبه الهلال، ۱۹۸۶م.
- (۲۹) الرسائل العشر، ابن فهد الحلّی (م، ۸۴۱ق)، به کوشش رجایی، قم، مکتبه النجفی، ۱۴۰۹ق.
- (۳۰) سبل الهدی، محمد بن یوسف الصالحی (م، ۹۴۲ق)، به کوشش عدل احمد و علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- (۳۱) سبل الهدی، محمد بن یوسف الصالحی (م، ۹۴۲ق)، به کوشش عدل احمد و علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- (۳۲) سیر اعلام النبلاء، ذهبی (م، ۷۴۸ق)، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق.
- (۳۳) شذرات الذهب، عبدالحی بن العماد (م، ۱۰۸۹ق)، به کوشش الارنؤوط، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ق.
- (۳۴) شرايع الاسلام، محقق الحلّی (م، ۶۷۶ق)، به کوشش سید صلح شیرازی، تهران، استقلال، ۱۴۰۹ق.
- (۳۵) شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدیث (م، ۶۵۶ق)، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق.
- (۳۶) صحیح مسلم، مسلم (م، ۲۶۱ق)، بیروت، دار الفکر.
- (۳۷) الطبقات الکبری، ابن سعد (م، ۲۳۰ق)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
- (۳۸) العین، خلیل (م، ۱۷۵ق)، به کوشش المخزومی و السامرائی، دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.
- (۳۹) الغارات، ابراهیم الثقفی الکوفی (م، ۲۸۳ق)، به کوشش المحنث، بهمین، ۱۳۵۵ش.
- (۴۰) فتح الباری، ابن حجر العسقلانی (م، ۸۵۲ق)، بیروت، دار المعرفه.
- (۴۱) فصول من تاریخ المدینه المنوره، علی حافظ جده، المدینه، ۱۴۰۵ق.
- (۴۲) القاب الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) و عترته، بعض المحدثین (م، قرن ۴ق)، مکتبه النجفی، ۱۴۰۶ق.
- (۴۳) الکافی، کلینی (م، ۳۲۹ق)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
- (۴۴) کامل الزیارات، ابن قولویه قمی (م، ۳۶۸ق)، به کوشش القیومی، قم، نشر الفقه، ۱۴۱۷ق.
- (۴۵) الکامل فی التاریخ، ابن اثیر (م، ۳۳۰ق)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق.
- (۴۶) کشف القناع، منصور بیهوتی (م، ۱۰۵۱ق)، به کوشش محمد حسن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
- (۴۷) کنز العمال، متقی هندی (م، ۹۷۵ق)، به کوشش السقاء، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق.

- (٤٨) الكنى واللقب، شيخ عيسى قمي (م، ١٣٥٩ق)، تهران، مكتبة الصدر، ١٣٦٨ش.
- (٤٩) المجموعة المصورة لأشهر معالم المدينة المنورة، عبدالعزيز كعكي، المدينة، دار احياء التراث العربي، ١٩٩٩ق.
- (٥٠) المختصر النافع، محقق حلي (م، ٦٧٦ق)، تهران، البيعه، ١٤١٠ق.
- (٥١) مرآة الحرمين، ابراهيم رفعت باشا (م، ١٣٥٣ق)، قم، المطبعة العلمية، ١٣٤٤ق.
- (٥٢) مروج الذهب، مسعودي (م، ٣٤٦ق)، به كوشش اسعد داغر، قم، دار الهجره، ١٤٠٩ق.
- (٥٣) المسالك و الممالك، ابراهيم الفارسي الاصطخرى (م، ٣٤٦ق)، به كوشش الحسيني، وزارة الثقافة و الارشاد، ١٣٨١ق.
- (٥٤) المستدرک على الصحيحين، حاكم نيشابوري (م، ٤٠٥ق)، به كوشش مرعشي، بيروت، دار المعرفه، ١٤٠٦ق.
- (٥٥) المصنّف، ابن ابي شيبه (م، ٢٣٥ق)، به كوشش سعيد محمد، دار الفكر، ١٤٠٩ق.
- (٥٦) المصنّف، عبدالرزاق الصنعاني (م، ٢١١ق)، به كوشش حبيب الرحمن، المجلس العلمى.
- (٥٧) المعارف، ابن قتيبه (م، ٢٧٦ق)، به كوشش ثروت عكاشه، قم، الرضى، ١٣٧٣ش.
- (٥٨) معالم مكة و المدينة بين الماضى و الحاضر، يوسف رعد العالمى، بيروت، دار المرئضى، ١٤١٨ق.
- (٥٩) معجم البلدان، ياقوت الحموى (م، ٦٢٦ق)، بيروت، دار صادر، ١٩٩٥م.
- (٦٠) معجم ما استعجم، عبدالله بكرى (م، ٢٨٧ق)، به كوشش السقاء، بيروت، عالم الكتب، ١٤٠٣ق.
- (٦١) المغازى، واقدي (م، ٢٠٧ق)، به كوشش مارسدن جونس، بيروت، اعلمى، ١٤٠٩ق.
- (٦٢) مغنى المحتاج، محمد الشربيني (م، ٩٧٧ق)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٣٧٧ق.
- (٦٣) مقاتل الطالبين، ابوالفرج الاصفهاني (م، ٣٥٦ق)، به كوشش سيد احمد صقر، بيروت، دار المعرفه.
- (٦٤) المقنعه، المفيد (م، ٤١٣ق)، قم، نشر اسلامى، ١٤١٠ق.
- (٦٥) من لا يحضره الفقيه، صدوق (م، ٣٨١ق)، به كوشش غفارى، قم، نشر اسلامى، ١٤٠٤ق.
- (٦٦) المنتظم، ابن جوزى (م، ٥٩٧ق)، به كوشش محمد عبدالقادر و ديكران، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٢ق.
- (٦٧) منتهى المطلب، علامة الحلى (م، ٧٢٦ق)، چاپ سنگى.
- (٦٨) المهذب، القاضى ابن البراج (م، ٤٨١ق)، قم، نشر اسلامى، ١٤٠٦ق.
- (٦٩) نزهة المشتاق، شريف الادريسى (م، ٥٦٠ق)، بيروت، عالم الكتب، ١٤٠٩ق.
- (٧٠) النهايه، مبارك ابن اثير (م، ٦٠٦ق)، به كوشش الزاوى و الطنحى، قم، اسماعيليان، ١٣٦٧ش.
- (٧١) وفاء الوفاء، سمهودى (م، ٩١١ق)، به كوشش محمد عبدالحميد، بيروت، دار الكتب العلميه، ٢٠٠٦م.
- (٧٢) وفيات الاعيان، ابن خلكان (م، ٦٨١ق)، به كوشش احسان عيسى، بيروت، دار صادر.

١٨ - پانویس

١. ↑ فر اهدى، خليل بن احمد، العين، ج ١، ص ١٨٤، «بقع».
٢. ↑ فر اهدى، خليل بن احمد، العين، ج ١، ص ١٨٤.
٣. ↑ ابن اثير، مجدالدين، النهايه، ج ١، ص ١٤٦، «بقع».
٤. ↑ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ٣، ص ٣٠٣.
٥. ↑ نميرى بصرى، عمر بن شيبه، تاريخ المدينة، ج ١، ص ٣٠٦.
٦. ↑ حموى، ياقوت، معجم البلدان، ج ١، ص ٤٧٤.
٧. ↑ بكرى اندلسى، عبد الله بن عبدالعزيز، معجم ما استعجم، ج ١، ص ٢٦٦.
٨. ↑ حموى، ياقوت، معجم البلدان، ج ٢، ص ٣٤٣.
٩. ↑ حموى، ياقوت، معجم البلدان، ج ٥، ص ٨٢.
١٠. ↑ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ٤، ص ٨٠.
١١. ↑ بكرى اندلسى، عبد الله بن عبدالعزيز، معجم ما استعجم، ج ١، ص ٢٥٨.
١٢. ↑ بكرى اندلسى، عبد الله بن عبدالعزيز، معجم ما استعجم، ج ١، ص ٢٦٦، پانویس.
١٣. ↑ حموى، ياقوت، معجم البلدان، ج ٥، ص ٣٠٢.
١٤. ↑ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ٣، ص ٣٠٣.
١٥. ↑ حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله، المستدرک، ج ٣، ص ٢٠٩.
١٦. ↑ بكرى اندلسى، عبد الله بن عبدالعزيز، معجم ما استعجم، ج ١، ص ٢٦٥.
١٧. ↑ حموى، ياقوت، معجم البلدان، ج ٥، ص ٨٢.
١٨. ↑ اصطخرى، ابراهيم بن محمد، المسالك و الممالك، ص ١٨.
١٩. ↑ مقدسى بشارى، محمد بن احمد، احسن التقاسيم، ص ٨٢.
٢٠. ↑ مقرئى، نعم الدين، امتاع الاسماء، ج ١٤، ص ٦٢٧.
٢١. ↑ مقدسى بشارى، محمد بن احمد، احسن التقاسيم، ص ٨٢.
٢٢. ↑ شريف ادريسى، محمد بن عبدالله، نزهة المشتاق، ص ١٤٣.
٢٣. ↑ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ٣، ص ٢٤١.
٢٤. ↑ صالحى شامى، محمد بن يوسف، سيل الهدى، ج ٥، ص ٢٢.
٢٥. ↑ بلعمى، ابو على محمد، تاريخنامه طبرى، ج ٥، ص ١٣٩٨.
٢٦. ↑ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ٣، ص ٢٤١.
٢٧. ↑ يعقوبى، احمد بن اسحاق، تاريخ يعقوبى، ج ٢، ص ٣٧.
٢٨. ↑ ابن اثير، عز الدين، الكامل، ج ١، ص ٥٩٧.
٢٩. ↑ امينى، محمدامين، بقیع الغرقد، ص ٣٤.
٣٠. ↑ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ٣، ص ٣٠٣.
٣١. ↑ حاكم نيشابوري، أبو عبدالله، المستدرک، ج ٣، ص ٢٠٩.
٣٢. ↑ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ٣، ص ٤٥٩.

٣٣. ↑ ابن عبد البر، يوسف بن عبد الله، الاستيعاب، ج٤، ص١٦٠٠، دار الجيل، بيروت، ١٤١٢ هـ.ق.
٣٤. ↑ كعكي، عبدالعزيز بن عبدالرحمن، معالم مكة و المدينة، ص٤٢٠.
٣٥. ↑ نميري بصري، عمر بن شيه، تاريخ المدينة، ج١، ص١٠٠-١٠١.
٣٦. ↑ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج١، ص١١٥.
٣٧. ↑ نميري بصري، عمر بن شيه، تاريخ المدينة، ج١، ص١٢١.
٣٨. ↑ منقري، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج٣، ص٨٣.
٣٩. ↑ نميري بصري، عمر بن شيه، تاريخ المدينة، ج١، ص١٢٧.
٤٠. ↑ نميري بصري، عمر بن شيه، تاريخ المدينة، ج١، ص١١١.
٤١. ↑ مسعودي، ابي الحسن بن علي، مروج الذهب، ج٣، ص٢٨٥.
٤٢. ↑ طبري، محمد بن جرير، تاريخ الطبري تاريخ الرسل والملوك، ج٤، ص٤١٢.
٤٣. ↑ نميري بصري، عمر بن شيه، تاريخ المدينة، ج٤، ص١٢٤١.
٤٤. ↑ ابن ابي الحديد، عز الدين، شرح نهج البلاغه، ج١٠، ص٧.
٤٥. ↑ ابن عساکر، علي بن حسن، تاريخ دمشق، ج٣٩، ص٥٢٠، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٥ هـ.ق.
٤٦. ↑ نميري بصري، عمر بن شيه، تاريخ المدينة، ج١، ص١١٣.
٤٧. ↑ ابن كثير، ابي الفداء، البداية و النهاية، ج٩، ص٧، محقق علي شيري، دار احياء التراث العربي، بيروت.
٤٨. ↑ ابن العماد حنبلي، عبدالحی بن أحمد، شذرات الذهب، ج١، ص٣١١.
٤٩. ↑ نميري بصري، عمر بن شيه، تاريخ المدينة، ج١، ص٩٥.
٥٠. ↑ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٤، ص٣٣.
٥١. ↑ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٥، ص٨٣.
٥٢. ↑ طبري، محمد بن جرير، تاريخ الطبري تاريخ الرسل والملوك، ج٧، ص٥٨٧.
٥٣. ↑ اصفهاني، ابو الفرج، مقاتل الطالبين، ص٢٩٥.
٥٤. ↑ اميني، محمدامين، بقیع الغرقه، ص٣٦.
٥٥. ↑ اميني، محمدامين، بقیع الغرقه، ص٣٥-٣٦.
٥٦. ↑ كعكي، عبدالعزيز بن عبدالرحمن، معالم مكة و المدينة، ص٤٢٠.
٥٧. ↑ حافظ علي، فصول من تاريخ المدينة، ص١٧٣.
٥٨. ↑ كعكي، عبدالعزيز بن عبدالرحمن معالم مكة و المدينة، ص٤٢٠.
٥٩. ↑ المجموعة المصوره، ج٣، ص٤٦١.
٦٠. ↑ جعفریان، رسول، آثار اسلامي، ص٣٢٢.
٦١. ↑ مفيد، محمد بن محمد، الارشاد، ج١، ص١٨١، مؤسسة آل البيت، كنگره شيخ مفيد، قم، ١٤١٣ هـ.ق.
٦٢. ↑ منقري، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج٣، ص٧٧.
٦٣. ↑ نميري بصري، عمر بن شيه، تاريخ المدينة، ج١، ص٩٢.
٦٤. ↑ منقري، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج٣، ص٧٩.
٦٥. ↑ نميري بصري، عمر بن شيه، تاريخ المدينة، ج١، ص٩٧.
٦٦. ↑ ابن قولويه قمي، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، ص٣٣٤.
٦٧. ↑ فرات كوفي، فرات بن ابراهيم، تفسير فرات الكوفي، ص٢٠٠-٢٠١.
٦٨. ↑ متقي هندی، علي بن حسام، كنز العمال، ج٨، ص٤٣٥-٤٣٦.
٦٩. ↑ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج٣، ص٤٦٠.
٧٠. ↑ طوسي، محمد بن حسن، التهذيب الاحكام، ج٣، ص١٢٩-١٣٠.
٧١. ↑ ديلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، ج١، ص٨٠، تحقيق سيد هاشم ميلاني.
٧٢. ↑ ابن جبير، محمد بن احمد، رحلة ابن جبير، ص١٥٥.
٧٣. ↑ صدوق، محمد بن علي، من لا يحضره الفقيه، ج٢، ص٥٧٧.
٧٤. ↑ ابن كثير، ابي الفداء، البداية و النهاية، ج٨، ص٢٢٨.
٧٥. ↑ برخی از قماء المحدثين، القلب الرسول، ص٥٨.
٧٦. ↑ ابن حمزة الطوسي، عمادالدين، الثاقب، ص٣٧٠-٣٧١.
٧٧. ↑ مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، ج٤٨، ص٨٥، مؤسسة الوفاء.
٧٨. ↑ القاضي ابن البراج، عبدالعزيز، المهذب، ج١، ص٢٨٣.
٧٩. ↑ محقق حلي، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام، ج١، ص٢١٠.
٨٠. ↑ ابن فهد حلي، جمال الدين، الرسائل العشر، ص٢٧٢، انتشارات كتابخانه آية الله مر عشي نجفي، قم، ١٤٠٩ هـ.ق.
٨١. ↑ خطيب شرييني، شمس الدين، مغني المحتاج، ج٢، ص٥٦.
٨٢. ↑ بهوتي، منصور بن يونس، كشاف القناع، ج٢، ص٥١٤.
٨٣. ↑ منقري، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج٣، ص١٠٠.
٨٤. ↑ منقري، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج٣، ص٩٩.
٨٥. ↑ ابن الأثير، عز الدين، الكامل، ج٨، ص٢١٤، دار صادر، بيروت، ١٣٨٥ هـ.ق.
٨٦. ↑ منقري، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج٣، ص١٠٠.
٨٧. ↑ منقري، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج٣، ص١٠٣.
٨٨. ↑ سويفي التاجر، ابراهيم بن شريف، مرآة الحرمين، ج١، ص٤٨٠.
٨٩. ↑ جعفریان، رسول، پنجاه سفرنامه، ج١، ص٦٢.

٩٠. ↑ طوسي، محمد بن حسين، التهذيب، ج٦، ص٧٩، دار الكتب الإسلامية، تهران، ١٣٦٤ ه.ق.
٩١. ↑ مفيد، محمد بن محمد، المقنع، ص٣٧٥، كنگر ه جهانی شيخ مفيد، قم، ١٤١١ ه.ق.
٩٢. ↑ محقق حلي، جعفر بن حسن، المختصر النافع، ص٩٨.
٩٣. ↑ صدوق، محمد بن علي، من لا يحضره الفقيه، ج٢، ص٥٧٧، محقق، مصحح: غفاري، علي اكبر، جامعه مدرسین، قم، ١٤١٣ ه.ق.
٩٤. ↑ حلي، جمال الدين، منتهى المطلب، ج٢، ص٨٩٤.
٩٥. ↑ ابن قولويه قمي، محمد بن جعفر، كامل الزيارات، ص٣٣٤، مكتبة الصدوق.
٩٦. ↑ صنعاني، عبد الرزاق بن همام، المصنف، عبدالرزاق، ج٣، ص٥٧٤.
٩٧. ↑ قشيري نيسابوري، مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، ج٢، ص٦٧١، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار احياء التراث العربي.
٩٨. ↑ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج٤، ص٥٥٩، محقق، مصحح: غفاري علي اكبر، آخوندی، محمد، دار الكتب الإسلامية، ١٤٠٧ ه.ق.
٩٩. ↑ مفيد، محمد بن محمد، المقنع، ص٤٧٥-٤٧٦، كنگر ه جهانی شيخ مفيد، قم، ١٤١٣ ه.ق.
١٠٠. ↑ مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، ج١٠٠، ص٢١٢، مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ ه.ق.
١٠١. ↑ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٣، ص٣٠٥، دار الكتب العلمية، ١٤١٠ ه.ق.
١٠٢. ↑ نميري بصري، عمر بن شيه، تاريخ المدينة، ج١، ص١٠٢.
١٠٣. ↑ نميري بصري، عمر بن شيه، تاريخ المدينة، ج١، ص٩٩.
١٠٤. ↑ منقري، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج٣، ص٨٢.
١٠٥. ↑ جعفر يان، رسول، آثار اسلامي، ص٣٣٢.
١٠٦. ↑ سخاوي، شمس الدين، التحفة اللطيفة، ج١، ص٢٠٦، دار الكتب العلمية، ١٤١٤ ه.ق.
١٠٧. ↑ ابن حبان، محمد بن حبان، الثقات، ج١، ص١٣٥-١٣٦، دائرة المعارف العثمانية بحيدر آباد الدكن الهند، ١٣٩٣ ه.ق.
١٠٨. ↑ حاكم نيشابوري، أبو عبد الله، المستدرک، ج٣، ص٢٠٦.
١٠٩. ↑ أبي شيبة كوفي، عبد الله بن محمد، المصنف، ج٧، ص٢٦٤.
١١٠. ↑ حموي، ياقوت، معجم البلدان، ج٤، ص٤٧١.
١١١. ↑ عسقلاني، ابن حجر، فتح الباري، ج٩، ص١١٨، دار المعرفة، بيروت، ١٣٧٩ ه.ق.
١١٢. ↑ نميري بصري، عمر بن شيه، تاريخ المدينة، ج١، ص٩٦.
١١٣. ↑ نميري بصري، تاريخ المدينة، ج١، ص١٠١.
١١٤. ↑ منقري، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج٣، ص٨٥.
١١٥. ↑ منقري، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج٣، ص٩٥.
١١٦. ↑ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٤، ص٢٤.
١١٧. ↑ منقري، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج٣، ص٩٥.
١١٨. ↑ مسعودي، أبي الحسن بن علي، مروج الذهب، ج٣، ص٢٨٦.
١١٩. ↑ ابن عبدالبر، يوسف بن عبد الله، الاستيعاب، ج٤، ص١٨٥٣.
١٢٠. ↑ ابن اثير، عز الدين، اسد الغابه، ج٧، ص١٣١، دار الكتب العلمية، المحقق: معوض، علي محمد، عبدالموجود، عادل أحمد، ١٤١٥ ه.ق.
١٢١. ↑ عسقلاني، ابن حجر، الاصابه، ج٨، ص١٥١.
١٢٢. ↑ ابن عبدالبر، يوسف بن عبد الله، الاستيعاب، ج٤، ص١٨٣٩-١٨٤٠.
١٢٣. ↑ ابن اثير، عز الدين، اسد الغابه، ج٧، ص١١٤، دار الكتب العلمية، المحقق: معوض، علي محمد، عبدالموجود، عادل أحمد، ١٤١٥ ه.ق.
١٢٤. ↑ ابن عبدالبر، يوسف بن عبد الله، الاستيعاب، ج٤، ص١٨٣٩-١٨٤١.
١٢٥. ↑ ابن اثير، عز الدين، اسد الغابه، ج٧، ص٣٧٤، دار الكتب العلمية، المحقق: معوض، علي محمد، عبدالموجود، عادل أحمد، ١٤١٥ ه.ق.
١٢٦. ↑ عسقلاني، ابن حجر، الاصابه، ج٨، ص١٣٨-١٣٩.
١٢٧. ↑ منقري، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج٣، ص٩٦.
١٢٨. ↑ نجمي، محمدصانق، تاريخ حرم انمه بقيق، ص٢٥٠.
١٢٩. ↑ نقفي، ابراهيم بن محمد، الغارات، ج١، ص٤٣، محقق / مصحح: حسيني، عبدلزهراء، دار الكتب الإسلامي، ١٤١٠ ه.ق.
١٣٠. ↑ منقري، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج٣، ص٩٧.
١٣١. ↑ ابن عبدالبر، يوسف بن عبد الله، الاستيعاب، ج٤، ص١٨١٢-١٨١٣.
١٣٢. ↑ ابن اثير، عز الدين، اسد الغابه، ج٧، ص٦٩٠-٧٠، دار الكتب العلمية، المحقق: معوض، علي محمد، عبدالموجود، عادل أحمد، ١٤١٥ ه.ق.
١٣٣. ↑ ابن اثير، عز الدين، اسد الغابه، ج٧، ص٤٨-٤٩، دار الكتب العلمية، المحقق: معوض، علي محمد، عبدالموجود، عادل أحمد، ١٤١٥ ه.ق.
١٣٤. ↑ ابن اثير، عز الدين، اسد الغابه، ج٧، ص١٧١، دار الكتب العلمية، المحقق: معوض، علي محمد، عبدالموجود، عادل أحمد، ١٤١٥ ه.ق.
١٣٥. ↑ حافظ علي، فصول من تاريخ المدينة، ص١٧٠.
١٣٦. ↑ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٨، ص٣٧، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، دار الكتب العلمية، ١٤١٠ ه.ق.
١٣٧. ↑ منقري، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج٣، ص١١٣.
١٣٨. ↑ ابن اثير، عز الدين، اسد الغابه، ج٣، ص٤٩١.
١٣٩. ↑ عسقلاني، ابن حجر، الاصابه، ج٤، ص٣٧٩.
١٤٠. ↑ زرکلي، خير الدين، الاعلام، ج٤، ص٢١.
١٤١. ↑ ابن عبدالبر، يوسف بن عبد الله، الاستيعاب، ج٢، ص٦١٠.
١٤٢. ↑ ابن كثير، ابو الفداء، البداية و النهايه، ج٨، ص٧٨، دار الفكر، ١٤٠٧ ه.ق.
١٤٣. ↑ ابن جوزي، أبو الفرج، المنتظم، ج٣، ص٢٤٧، دار الكتب العلمية.
١٤٤. ↑ ابن عبدالبر، يوسف بن عبد الله، الاستيعاب، ج٣، ص٩٩٣-٩٩٤.
١٤٥. ↑ صالحی شامي، محمد بن يوسف، سيل الهدى، ج١٢، ص٥٣.
١٤٦. ↑ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج٣، ص٣٠٠.
١٤٧. ↑ ابن حبان، محمد بن حبان، الثقات، ج٢، ص٢٥٤، دائرة المعارف العثمانية، ١٣٩٦ ه.ق.

۱۴۸. ↑ [واقفی، محمد بن عمر، المغازی، ج ۱، ص ۳۱۲، الأعلی.](#)
۱۴۹. ↑ [دینوری، ابن قتیبہ، المعارف، ص ۴۹۸-۴۹۹، الهيئة المصرية العامة للكتاب.](#)
۱۵۰. ↑ [منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۲.](#)
۱۵۱. ↑ [ابن خلکان، شمس الدین، وفیات الاعیان، ج ۵، ص ۱۴۳.](#)
۱۵۲. ↑ [الذهبی، شمس الدین، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۳۰.](#)
۱۵۳. ↑ [ابن کثیر، ابوالقداء، البداية و النهاية، ج ۱۲، ص ۱۵۰.](#)
۱۵۴. ↑ [نقوی، سید حامد، عیقات الانوار، ج ۸، ص ۳۵۹.](#)
۱۵۵. ↑ [سخاوی، شمس الدین، التحفة اللطیفة، ج ۱، ص ۱۱۴، الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۴ هـ.ق.](#)
۱۵۶. ↑ [قمی، عیسی، الکنی و الالقاب، ج ۲، ص ۷۷.](#)
۱۵۷. ↑ [طهرانی، آقا بزرك، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۵، ص ۲۱-۲۲، اسماعیلیان.](#)
۱۵۸. ↑ [زرکلی، خیر الدین، الاعلام، ج ۴، ص ۳۸.](#)
۱۵۹. ↑ [شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۶۶.](#)
۱۶۰. ↑ [نمیری بصری، عمر بن شیبہ، تاریخ المدینہ، ج ۱، ص ۱۲۷.](#)
۱۶۱. ↑ [ابن جبیر، محمد بن أحمد، رحلة ابن جبیر، ص ۱۵۵.](#)
۱۶۲. ↑ [اخبار مدينة الرسول، ص ۱۵۳.](#)
۱۶۳. ↑ [ابن بطوطه، محمد بن عبد الله، رحلة ابن بطوطه، ج ۱، ص ۳۶۰-۳۶۱.](#)
۱۶۴. ↑ [مسعودی، ابی الحسن بن علی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۸۵.](#)
۱۶۵. ↑ [مسعودی، علی بن حسین، التنبيه و الاشراف، ص ۲۶۰.](#)
۱۶۶. ↑ [منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۲.](#)
۱۶۷. ↑ [منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۰.](#)
۱۶۸. ↑ [منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۰-۱۰۱.](#)
۱۶۹. ↑ [منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۲.](#)
۱۷۰. ↑ [منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۱.](#)
۱۷۱. ↑ [منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۱-۱۰۲.](#)
۱۷۲. ↑ [منقری، نصر بن مزاحم، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۰۰.](#)
۱۷۳. ↑ [من اخبار الحجاز و النجد، ص ۱۰۴.](#)
۱۷۴. ↑ [هاجری، یوسف، البقیع قصة التتمیر، ص ۸۴.](#)
۱۷۵. ↑ [جعفریان، رسول، پنجاه سفرنامه، ج ۳، ص ۱۹۶.](#)
۱۷۶. ↑ [هاجری، یوسف، البقیع قصة التتمیر، ص ۱۱۳-۱۳۹.](#)
۱۷۷. ↑ [امینی، محمد امین، بقیع الغرقد، ص ۴۹.](#)
۱۷۸. ↑ [نک: قاضی عسکر، علی، تخریب و بازسازی بقیع، ص ۴۱-۶۰.](#)
۱۷۹. ↑ [محقق، علی، اسناد روابط ایران و عربستان، ص ۲۴۸-۲۶۰، وزارت امور خارجه.](#)
۱۸۰. ↑ [نک: قاضی عسکر، علی، تخریب و بازسازی بقیع، ص ۹۸-۱۴۷.](#)
۱۸۱. ↑ [جعفریان، رسول، آثار اسلامی مکہ و مدینہ، ص ۳۳۲.](#)
۱۸۲. ↑ [مدنی، عبدالعزیز، التاريخ الامین، ص ۳۵۶.](#)
۱۸۳. ↑ [کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۳، ص ۲۴۱.](#)
۱۸۴. ↑ [جعفریان، رسول، پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۷۵۰-۷۵۱.](#)
۱۸۵. ↑ [جعفریان، رسول، سفرنامه منظوم حج، ص ۷۰-۷۱.](#)
۱۸۶. ↑ [رجبی، محمدحسین، حج ۲۶، ص ۳۵۹.](#)
۱۸۷. ↑ [جعفریان، رسول، باکاروان صفا، ص ۱۳۵-۱۳۷.](#)

۱۹ - منبع

• [دانشنامه حج و حرمین شریفین، برگرفته از مقاله «بقیع»، تاریخ بازبینی ۱۴۰۰/۰۴/۰۱.](#)

رده‌های این صفحه: [آثار تاریخی و باستانی](#) | [بقیع](#) | [مکان‌های تاریخی مدینه](#) | [مکان‌های مرتبط با حج](#)